

اول شهر النور ۱۳۴

۵ جون ۱۹۷۷

اجتاج عزیز الہی [ ایرانی ] در بلاد غربیہ ملاحظہ فرمائید :  
ای ہموطنان جمال مبارک این چه مرتبتی است و این چه فضل و ہمتی  
کہ منسوب بہ آستان مقدسیم و برکت این نسبت بہ نعمتی مختص . از شہر  
جانانیم و شمع شبستان یزدان . بی نام و نشان بودیم شہرہ جہان کشتیم  
مفقود و بنیو بودیم عزت جاودان یافتیم . و این از وعود صریحہ الہیہ است  
کہ روزی آید کہ شمس حقیقت از جمیع آفاق اشراق نماید و بفرمودہ مرکز میثاق :

« در ہفت قلیم آنک سبوح قدوس رب الملائکہ و الروح

بلند گردد و خیمہ وحدت عالم انسانی در قطب جہان

بلند شود ... شرق و غرب با یکدیگر عشق باز دارند

و ہفت پردازد و این مژدہ گوشزد آفاق گردد و این

اشراق خاور و باختر را روشن و منور نماید . »

ای یاران در این صبح نورانی که انوار اولیه آن و عود الهیه بر بلاد غریبه  
 تابیده و امران در ممالک متدنه متعده استقرار پذیرفته الحمد لله اجای عزیز  
 ایران در آن سامان بر مسند عزت نشسته اند و شمع نهمین روحانیان گشته چه که  
 شجره وجودشان در موطن هم عظیم بالیده و نیسان فضل الهی بر شاخ و برگشان  
 باریده لهذا مقبلان نورسیده در آن بلاد کمال دیده برایشان دوخته اند تا  
 وجودشان آیت جلال و جمال و نشان عز و وقار دوست ملاحظه گردد لهذا  
 خطا لم اتکم و مقاماتکم این جمع مشتاق خود را موظف میداند که آن یاران  
 ارجمند را به تذکر نکاتی چند مخاطب سازد :

اول امریکه باید آن عزیزان منظور فرمایند آنکه بهر مقصد و بهر جا که رفته باشند  
 باید فکر و ذکرشان در وهله اولی اعلا کلمه الله و خدمت امران باشد و شون  
 دیگر چون کسب و تجارت هر چند بجهت اعتدال لازم و مفید است ولیکن نباید  
 مقدم بر مقصد اعلی و عبودیت آسمان جمال الهی محسوب گردد و الا چه فایده  
 که انسان از کشوری بکشوری صرفاً در پی راحت و آسایش رود یا بجهت مقاصد  
 و مصالح شخصی دیگر اقامت جوید و عمری را بغیر رضای حق بگذراند و چند

روزه حیات را مصروف خور و خواب سازد و در پی سراب رود و از کسب  
سعادت ابدیه محروم ماند تجارتی که خسارت ندارد عبودیت آستان مبارک  
است متاعش عشق جانان است و سرمایه اش نقد دل و جان است و بازارش  
سعادت دو جهان . خریدارش طالب حقیقت است و سودش ایگانش ضای  
حضرت احدیت و چون با چنین نیتی حرکت نمایند و قدم در میدان نهند باید بداند  
که مقتضیات این کشور در بلاد غرب از اکثر جهات با مقتضیات محیط ایران  
تفاوت شایان دارد نباید انتظار داشته باشند که مردم ممالک دیگر چه بسا  
و چه غیر بهائی طرز فکر و آداب و رسومشان عیناً موافق و مطابق مردم ایرا  
باشد اگر اهل ممالک دیگر را با موازین خویش که مخلوق محیط و طبیعت مخصوصی  
است قیاس کنند البته ناچار و نا ملایم افتد . پس باید بهر جا که سفر نمایند  
و استقرار جین مقتضیات محل را در نظر بگیرند و سعی نمایند که خود را انطباق با  
مقتضیات جدید دهند که مبادا نادانسته کاری شود که باعث استیغاش نفس  
گردد . البته امر مبارک در مبادی عالیه کلیه در همه جا یکسان است و لیکن  
در شئون ثانویه و آداب و رسوم قومیه مردم هر دیار متفاوتند یعنی در امر الهی

و حدت در کثرت باین صورت جلوه نماید که اهل بهادر اصول کلیه متحد و در  
فروعات ثانویه متنوع و متفاوت باشند .

باغی که در ظل یک باغبان ماهر پرورش یابد و از رشحات یک سحاب  
تازه و شاداب شود و از یک جویبار سیراب گردد آرایش گلهای رنگارنگ  
و اشجار گوناگون است . لهذا اگر رابطه خویش را با جامعه های بهائی آن  
ممالک بر چنین اساسی قرار دهند نکته چینی و خردیه بینی که آتش صراحت  
جامعه ایرانیست و فراموش شود و بسیاری مشکلات که مولود اصطلاح  
و تضاد های غیر ضروری است مرتفع گردد .

نکته مهم دیگر آنکه در بعضی از موارد اجبای عسیر ایرانی که وارد جامعه های  
دیگر میگردد متوجه نیستند که در این عصر تکوین امر مبارک در بسیاری از ممالک  
در شرف تأسیس است و حکمت الهی و با و امر صریح مبارک که بعضی از احکام کتاب  
که فعلاً در ایران و بلاد شرقیه مجری است هنوز وقت اجرائش در ممالک  
مغرب زمین نرسیده از این جهت از اجبای نورسیده غربی توقع مالا یطاق  
داشتن و باب مزامت بر ایشان کشودن مخالف دستورات مبارک است .

اصولاً بایران طبق تعلیمات مبارکه نباید پاپی نفوس شوند و دخالت در امور  
شخصیه نگذیرند بلکه باید با حلم و مدارا و خطا پوشی و محبت و صفا با یکدیگر  
معاشرت نمایند مظهر رأفت کبری باشند و به لسان شفقت جناب قلوب  
اصفیا گردند .

همچنین باید از بهرامی که عمومیت آئین نازنین بهائی را مستورد در چهار فرمایند  
زیرا امر مبارک شجره لا شرقیه و لا غربیه است و اختصاص به قلمی و قوم و طایفه  
ندارد و باید اصالت و جامعیت آن بر کل واضح و هویدا باشد .

لذا ایاران ایران علاوه بر مساعی جمیده شخصیه خویش در بلاد خارجه باید  
مشوق بایران غربی و محلی در خدمات تبلیغی و اداری باشند و آنان را تخریب  
نمایند و به پیش اندازند و خود حتی المقدور در پس پرده به تمهید وسائل و تسهیل امور  
پردازند یعنی چون نسیم صبا باشند که ناپیدا و پنهان است و لیکن باعث جنبش  
باغ و بوستان .

دیگر آنکه چون مقصد اصلی از اقامت در ممالک خارجه خدمت امر الله  
در آن ممالک باشد البته اجبای عزیز ایران حتی الامکان از جمع شدن در

یک نقطه پرغیر نمایند شمع روشن اگر در یک آنهم بدخشند نور و حرارت  
بخشد و اگر چند شمع در یک جمع کنار هم بسوزند یکدیگر را ذوب نمایند و آ  
صورت ریزند و انوارشان به در رود و قاشقان خمیده گردد .

بارها به تجربه رسیده که در محافل و مجامعی که عدا غلبه با ایرانیان است  
چه با مشکلاتی روی دهد و کار تبلیغ را به تعویق اندازد و حال آنکه هر محفلی  
یا ضیافتی یا جلسه ای که در آن صفحات تشکیل گردد در وهله اولی متعلق به اهل  
آن مملکت و برای خدمت به مردم آن کشور است پس اولاً باید کوشید که  
جز در موارد استثنائی که محافل ملیه هر کشور موقاً جهت تشکیل محفلی یا بعقل دیگری  
اجتماع چند عامله ایرانی را در یک نقطه جائز دانند از اجتماع در یک محلی برپرزند  
و ثانیاً ولو معدودی از اجتماع محلی در مجلسی حاضر باشند که اکثریت با ایرانیان  
باشد باید جمیع آن مجلس و محفل را حول نفوس محلی دوران بخشند و خود را فراموش  
نمایند و چون شهد و شکر در جمیع یاران هر محلی بیامیزند بنحویکه بلیونتی میان  
ایشان و اجابای محلی نماند .

دیگر آنکه موقف یاران در آن بلاد در مورد تربیت اطفال و جوانان بسیار

دقیق است زیرا از طرفی آرزوی همه پدر و مادر بهائی ایرانی آنکه بجز گوشگان  
با لسان الواح مبارکه آشنا باشند و با قلت وسائل به تعلیم زبان فارسی  
همت نگارند و از طرف دیگر در محیطی که غالباً ماده پرستی و لاندیسی حاکم  
گردیده باید اطفال و جوانان را بروح ایمانی پرورش دهند و آنان را محقق  
فرمایند در این سبیل باید متوجه باشند که هم تعصب و تعصب که راجع در بسیار  
از جمیع شرقی است مذموم است و هم حریت مفراطه که مایه الاتیلاک اکثر  
مردم مغرب زمین است مقدوح . باید یاران علی مخصوص جوانان خلق  
بدیع شوند و از مضرات عادات و افکار مفراطه شرق و غرب هر دو درکنار  
باشند بالعکس آداب مدوحه هر یک را اقتباس نمایند و بفضائل و مکارم اخلاق  
بموجب تعالیم الهیه متخلق شوند تا کمال شهادت دهند که بهائیان از همه کشور  
و در هر جا که باشند از دیگران متمایزند باید چون شجره طیبه در حدیقه وفا چنان  
ریشه دو اند که از گزند باد و طوفان در امان باشند و الا چون برگ خزان  
ناتوان بودن و دستخوش هر باد که از شرق یا غرب وزد گردیدن شأن  
فونمالان بوستان حقیقت نیست باید بهر وسیله تثبیت حجت تاملان شار الله

یاران ایران علی الخصوص جوانان مجبائی ایران در آن کشورها محفوظ مانند و در  
عین تقدم و تمدن علم تقدیس افزاند و بموجب نصایح قلم اعلی رقرار نمایند .  
ای عزیزان حق امید چنانست که هر یک سبب نورانیت کشوری گردید  
و در خدمت و عبودیت آستان الهی پیشقدم باشید و بر دیگران سبقت بگیرید  
و طریق همت به پیمایید و به ثبوت رسانید که کرم و سخا و بزرگواری از خصائل  
ذاتی آن عزیزان است و همت و جانفشانی و فداکاری میراث روحانی  
اهل بهادر کشور مقدس ایران .

ایست انتظار و آرزوی ما بل جمع اهل بهادران یاران با وفا .